

جنگ کره و مقایسه آن با مسئله فلسطین و کشمیر یا

يك بام و دو هوا !

جنگ چندماهه کره در افکار آشفته‌گی و اضطراب شدیدی ایجاد نموده است و بهمین دلیل چندی است که توجه همه جهانیان معطوف بآن است و با کمال نگرانی این پرسش بیان می‌آید که :

« آیا لهیب آتش فشانی جدیدی که از کره سرچشمه گرفته دنیا را بطرف جنگ سومی سوق خواهد داد ؟ »

از عجایب اتفاقات این که دو جنگ جهانی گذشته در همان فصلی از سال شروع شد که جنگ کره آغاز گردید و با توجه باین سابقه گویی همه افراد بشر در کنار آتش فشان عظیمی قرار گرفته‌اند که چهره افق صلح و صفرا تیره و تار ساخته است .

در این هنگامه و کشمکش با همه نگرانی و اضطرابی که افراد بشر را فرا گرفته است چه بسا اشخاص روشن دل و فکوری می‌گویند : چطور است که با بسط و انتشار اینهمه افکار بشردوستی و ادعای نوع پروری و بایشرفت صنایع و علوم و ظهور اینهمه اختراعات و اکتشافات - معجز آسائی که حتی مترقی ترین رجال فکر صدسال پیش نمیتوانستند آنرا پیش بینی کنند ، با اینحال زمامداران فکر و سیاست جهان نتوانسته‌اند از خطر بروز جنگ جهانی جلوگیری کنند ؟

ما معتقدیم که اگر کسی شجاعت اخلاقی داشته باشد و بتواند با چهره درخشان حقیقت (که در عین درخشندگی بسی مهیب است) مواجه شود جواب این

جنگ کره - فروغ علم

سؤال را که خیلی واضح و روشن است در خواهد یافت . و آن این است که :

نه فقط این همه ترقیات و پیشرفت تمدن با ترقی اخلاق هم آهنگ نبوده است بلکه جهان تمدن از عالم نِسورانی اخلاق بسی فاصله گرفته است .

برای تأیید این منظور خوبست بتاريخ تأسیس جامعه ملل (مرحوم) مراجعه کنیم آنگاه خواهیم دید که بنای ساختمان آن از عناصر نفاق و مکر و وتزیر بوجود آمده بود و عاقبت آنرا دیدیم که بوجود آورندگان آن در نابودی آن کوشیدند تا آنرا در خاک نیستی دفن کردند و تعجب در این است که در کشور ما که برای هر پیش آمدی جشن و سوگواری برپا میکنند چرا طرفداران جامعه ملل (مرحوم) مجلس سوگواری برپا نساختند؛ ولی امروز بنام طرفداری از سازمان ملل متحد متوالیاً مجلس جشن تأسیس میکنند !

شاید باین جهت که : در مقبره یزید حلوانی نیست !

در هر صورت خصوصیات سازمان ملل متحد امروز با مزایای جامعه ملل دیروز چندان فرقی ندارد زیرا معماران کاخ سازمان ملل متحد در عصر حاضر شاگردان مهندسين و معماران همان کاخ ویران جامعه ملل (مرحوم) هستند و میتوان گفت مصالح ساختمان جدید را از همان عمارت کهنه در آورده و اینجا بکار برده اند. زیرا با همه تجربات سیاسی که دارند بطور قطع و مسلم توجه باین امر ندارند که همه این تشنج و اضطراب و کلیه این زحمات روز افزون که جامعه بشر را باین روز سیاه و بلا تکلیفی انداخته است ناشی از آن است که در نسخه شفا بخشی که بعقیده خودشان برای تامین صلح جهانی نگاشته اند و بصورت معجونی بر بشر بیچاره عرضه میدارند مهمترین عنصر که عبارت از عنصر اخلاق است از قلم انتاده و هیچکدام بنقص معجون اعتراف نمیکند . این است که هیچ مشکلی حل نمیشود . و این اشتباهی است که هر دو دستکاه : یعنی جامعه ملل (مرحوم) و سازمان ملل متحد در عصر حاضر آنرا مرتکب شده و میشوند باین بیان که تمام مساعی خودشان را در تحکیم و تثبیت جنبه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قضیه اختصاص داده اند و از مهمترین نکته ای که در حیات انسان جنبه اصالت دارد غفلت دارند و آن جنبه اخلاقی مطلب است .

شکی نیست که جنبه های سیاسی و اقتصادی حیات ما واجب الرعایه





فرد غ علم ————— جنگ کره

است ولی چیزیکه هست این که بقاعده‌الاهم فالاهم ، مهمترینست - بلکه چیزیکه مهمتر است و اساس مطلب بوده و ضرورت آن در درجه اول قرارداد دارد همانا موضوع اخلاق است و کلیه متفکرین و صاحب نظران جهان باینمنهجه اعتراف دارند .

برای تحقیق در این مسئله باید بافکار مفکرین آشنا شده از نزدیک مطالعه کرد. برای نمونه بنظر «André Quidé» نویسنده نامی فرانسوی که او را دارای قوی ترین ذهن انتقادی این عصر میدانند توجه کنید که میگوید :
اگر خدای هم وجود ندارد ما باید با اینحال خدائی بیافرینیم
منظور گوینده اینست که باید در زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان جنبه های روحانی و اخلاقی رعایت هود ولی در عصر حاضر چون ارزش های اخلاقی و روحانی از بین رفته است کار باینجا کشیده است که همه روش مکیا و ولی را پیروی میکنیم باینمنهجه که در همه معاملاتمان برای قوی قانونی قائلیم و برای ضعیف قانون دیگری !

سازمان ملل متحد که مهمترین تأسیسات سیاسی جهان است نیز بهمین درد مبتلاست و موضوع فلسطین بهترین و روشن ترین دلیل بر اثبات مدعای ماست و غریب این است که اداره کنندگان همین دستگاه جهانی متفقاً می گویند :

« صلح یکنی است و قابل تجزیه هم نیست » با همه این ادعاها جهودها صلح و آرامش را در فلسطین بهم زدند و حکومت جابر خود را مستقر ساختند . از آن مهمتر در چندین مورد همین حکومت پوشالی جهود متجاوز شناخته شد ولی هیچیک از اعضاء صلحجو و عدالت پرور (!) آن سازمان اعتراض نکردند .

بنا بهمین سابقه یکی از برادران وهمکیشان ما آقای ابو محمد در مجله اسلامیک ری ویو چنین نوشت :
« دولت امریکا و سایر دولتهائی که با او همکاری میکنند کجا بودند وقتیکه جهودها تمام قراردادها را نقض کردند و نهمصد هزار نفر عرب (؟!) را از خانه و لانه شان بیرون ریختند .

و در مرحله دوم این آقایان که بحمایت کره جنوبی قیام کردند کجا بودند وقتی که جهودها برخلاف تعهداتشان قرارداد متارکه جنگ را نقض کردند و بمصر تجاوز کردند ؟ آری فراموش نداریم که سازمان ملل

جنگ کره ————— فروغ علم

متحد قطعنامه صادر کرد که راجع بفرسطين تصميم قاطع بگيرد ولي تا کنون هيچگونه اقدامی بعمل نيامده است و حال پيمان منوال است که بود بدليل اينکه :

۱ - سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ مرزهای بين کشور ادعائی اسرائيل و مصر را با ساير کشورهای عربی تعيين نموده و قسمتی از صحراي نجب و ا ملک اعراب شناخت .

۲ - قطعنامه سال ۱۹۴۹ سازمان ملل متحد مقرر داشت که اعراب بغيانه شان بازگشت کنند .

۳ - در سال ۱۹۴۹ برای بين المللی ساختن شهر بيت المقدس تصويب نامه ای از سازمان ملل متحد صادر گرديد و با صدور اينهمه تصويب نامه و قطعنامه هيچگونه کمکی بمظلوم ابراز نشد و بر همه کس معلوم شد که جهود ها ببرز مصر تجاوز کرده اند .

با توجه باين جريان همه انتظار داشتند که جهود های متجاوز و همدشکن مورد اعتراض سازمان ملل متحد شوند و اين سازمان بملت مظلوم کمک کند و با مداخله نظامی متجاوز را گوشمال دهد يا اقل بتقاضای مظلومين راجع بخرید اسلحه گوش دهند و مقداری اسلحه با آنها بفروشند تا اقل قادر بدفاع باشند ولي هيچگونه اقدامی از ناحیه اين سازمان معدلت بنیان (!) بعمل نيامد .

بهر حال باروشی که سياستمداران مقتدر جهان در عصر حاضر پيش گرفته اند بايد مباحث اخلاقی را درستون کتب جستجو کرد . و از اين پس اينگونه معانی را بايد در عداد افسانه های قديم دانست .

مطلبين ميگویند :

دولت امريکا و هوا خواهانش ديده دانسته در مقابل تجاوز جهود ها و عهد شکنی شان تسليم شدند زيرا وحشت آنرا داشتند که اگر جهودها را تشبيه کنند نهضت کمونيزم در خاور ميانه تقويت خواهد شد .

خوشبختانه در اوایل جنگ کره پاره ای از کشورهای اسلامی از همکاری با قوای ملل متحد خودداری کردند و يا جنبه بی طرفی بخود گرفتند زيرا فراموش نکرده بودند که دولت مصر اولين قربانی تجاوز جهودها قرار گرفت و کسی بر تجاوز و عهد شکنی جهودها اعتراضی نکرد و بهمين سابقه نماينده





فروغ عام ————— جنك كره

دولت مصر در شورای امنیت اقدام بسیار بوقعی نمود که از رای دادن در جنك كره امتناع کرد و اعلان بیطرفی داد .

نظیر همین اقدام را نمایندگان سوریه و اندونزی بعمل آوردند .

هر چند اقدام این چند دولت اسلامی در معارضه با تصمیم شورای امنیت تاثیر مهمی نداشت زیرا دارای قوای کافی نیستند ولی این خاصیت را داشت که سازمان ملل برای این دولتها حسابی قائل شود .

محتاج بدگر نیست که دولتهای اسلامی قبل از آنکه دارای قدرت کافی بشوند باید پایه اخلاقی شان را استحکام دهند زیرا نجات عالم بشریت بدون شك و تردید در رعایت از موازین اخلاقی است و این وظیفه مسلمین است که با احترام بببانی اخلاقی با کمال جرئت قدم جلو گذاشته و جهان را که امروز آنقدر تشنه اصلاح است بوسیله تعلیمات اسلامی رهبری کنند و اصول اخلاق را ببجهانیان تعلیم دهند و در هر آن و دقیقه ای مدافع آن باشند بی مناسبت نیست در پایان این مقال بوضع اسف آور سه ملیون و کسری مسلمین بی پناه کشمیر نیز توجهی نمائیم و این موضوع را نیز مانند مسئله فلسطین نمونه ای از عدالت پروری (!) و حفظ حقوق بشری (!) سازمان ملل متحد بدانیم !

بیش از دو سال است فرمان آتش بس در جبهه کشمیر صادر گردیده و شورای امنیت عهده دار تصفیه امر شده و بتوافق طرفین مقرر گردیده است بآراء عمومی مراجعه کنند ولی در ظرف این مدت شورای امنیت بوظیفه خود عمل ننموده است زیرا بقدرت سیاسی یا نظامی دولت هند بیشتر احتیاج دارد بهر حال آنچه امید می که ملل ضعیف جهان بسازمان ملل متحد داشتند تدریجا مبدل به یاس می گردد و این از آن جهت است که ایجاد کنندگان این سازمان منفعت را بر مصلحت ترجیح میدهند .

ای یومین من الموت افر یوم لا یقدر ام یوم قدر
«علی علیه السلام»

از مرك حذر كردن دو روز روا نیست

روزیکه قضا باشد و روزیکه قضا نیست

روزیکه قضا باشد کوشش ندهد سود

روزیکه قضا نیست در او مرك روا نیست